

آی و کیو

I & Q

نویسندگان

مرتضی ذوالفقاری نسب

علی یازرلو



نشر نیلبرگ

مرتضی‌نامه	:	یازرلو، علی، ۱۳۴۴ -
عنوان و نام	:	فیلمنامه/ نویسندگان علی یازرلو، مرتضی‌نامه i q آی کیو =
پدیدآور	:	ذوالفقاری‌نسب.
مشخصات نشر	:	تهران: نیلبرگ، ۱۳۹۳.
مشخصات	:	۱۳۵ص.
ظاهری	:	
شابک	:	۹۷۸۶۰۰۵۹۳۱۲۸۰: ۸۰۰۰۰ ریال
وضعیت	:	فنی
فهرست نویسی	:	
موضوع	:	فیلمنامه‌ها
شناسه افزوده	:	ذوالفقاری‌نسب، مرتضی، ۱۳۵۹ -
بندی کنگره	:	PN ۱۹۹۷/۸۸۵۱۳۹۳۱
بندی دیویی	:	۷۹۱/۴۳۷۲
شماره	:	۳۴۹۳۴۶۱
کتابشناس ملی	:	

ویرایش اول و دوم

نویسندگان: علی یازرلو - مرتضی‌نامه ذوالفقاری‌نسب

ناشر: نیلبرگ.

نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۵۹

چاپ و صحافی: صفیه

طراحی جلد: علی یازرلو - مرتضی‌نامه ذوالفقاری‌نسب

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۳۱-۲۸-۰

آدرس: تهران، خیابان آزادی، خیابان دکتر قریب، نیش کوچه معین، پلاک ۲۰
طبقه سوم/ ۰۹۱۲۷۶۵۵۲۶۰ - ۰۹۱۲۲۳۷۵۲۴۱

شخصیت های اصلی

توضیحات

- ۱ - سعید
- ۲ - سارا
- ۳ - صادقی
- ۴ - پدram
- ۵ - مریم
- ۶ - منصوری
- ۷ - عباس
- ۸ - امیر علی
- ۹ - مرجان
- ۱۰ - سمانه
- ۱۱ - مجید
- ۱۲ - ...
- ۱۳ - ...
- ۱۴ - ...
- ۱۵ - جمشید
- ۱۶ - رضا مروی
- ۱۷ - امید مروی
- ۱۸ - حمید هدایتی
- ۱۹ - سید محسن
- ۲۰ - اقدس
- ۲۱ - فرزاد
- ۲۲ - رامتین
- ۲۳ - مهشید
- ۲۴ - رئیس پلیس
- ۲۵ - احمدی
- ۲۶ - توکلی
- ۲۷ - ارسلان
- ۲۸ - فرخی
- ۲۹ - مراد
- ۳۰ - معاون انرژی اتمی
- ۳۰ ساله - دانشجوی دکتری - نخبه
- ۳۰ ساله - دکترای کوانتومی - جاسوس
- ۴۵ ساله - مامور اطلاعاتی
- ۳۵ ساله - مامور مخفی امنیتی - تیپ معمولی
- ۴۵ ساله - مادر سعید - خیاط
- ۵۰ ساله - رئیس باند خلاف
- ۴۷ ساله - مفقود الاثر جنگ
- ۲۵ ساله - شهرستانی
- ۲۵ ساله - نامزد سعید - مهندس آی تی
- ۲۵ ساله - خواهر سعید - خاله دار
- ۵۰ ساله - جانی باز قطع نخاع
- ۳۵ ساله - دستیار سارا - باهوش
- ۴۰ ساله - دلال - خلافکار
- ۴۰ ساله - اجاره دهنده دستگاه
- ۴۵ ساله - عتیقه شناس
- ۵۰ ساله - آزاده
- ۲۷ ساله - پسر رضا مروی - دانشجو
- ۵۰ ساله - آزاده
- ۴۵ ساله - آزاده
- ۴۵ ساله - ...
- ۳۰ ساله - دستیار سارا
- ۳۰ ساله - دستیار سارا - موتورسوار
- ۳۰ ساله - دستیار سارا
- ۵۰ ساله - ...
- ۴۰ ساله - فرمانده عملیات پلیس
- ۴۰ ساله - فرمانده عملیات امنیتی
- ۴۰ ساله - رئیس باند خ...
- ۳۵ ساله - دلال - خلافکار
- ۳۵ ساله - صاحب آژانس تاکسی
- ۵۰ ساله - مدیر

به نام هستی

(تقدیم به آنان که جانشان را برای آزادی و استقلال و امنیت این سرزمین نثار می کنند)

تیتراژ (عناوین اصلی فیلم در این صحنه ها دیده می شوند)

در کادر ابرهای پرتلاطم دیده می شود که با سرعت زیاد در حرکت هستند. دوربین از میان ابرها گذشته و به سمت سطح زمین سرازیر می شود.

یک کیس محبوس دارو در روی داشبورد ماشین مدل پائینی دیده می شود که در خیابان در حال حرکت است. صدای گوش خراش آگهی از ماشین به گوش می رسد. باد شدیدی درختان و سایر مشاهدات خیابان را تکان می دهد. در آینه ماشین یک موتور با دو سرنشین در حال کاسکت دیده می شوند که در تعقیب او هستند.

در جایی دیگر همان موتورسورها را می بینیم که سرنشین ترک یک بمب مغناطیسی را به بدنه ماشین پرتو می چسبانند. چشمان کودک خردسالی از پشت پنجره بیرون را نگاه می کند و نگران است.

یک کپسول اکسیژن دیده می شود که لوازم تنفس اضطراری به آن وصل است. مردی (مجید) که قطع نخاع است، روی تخت دراز کشیده و به سختی نفس می کشد و سینه اش به بالا و پایین می رود. صدای نفس ها شنیده می شود. باد شدید پنجره را تکان می دهد.

صدای زنجیر چرخهای یک تانک شنیده می شود. چشمان آن مرد دیده می شود که ترس و دلهره دارند. چرخهای تانک در حال حرکت دیده می شود. باد شدید نیزارها را تکان داده و خاک را بلند می کند.

صدای چرخ خیاطی صنعتی شنیده می شود. چرخ تسمه می چرخد. داستان خانمی (مریم) را می بینیم که با چرخ خیاطی صنعتی لباسهای سری را می دوزند. باد پنجره را باز می کند و پرده تکان می خورد.

در کادر یک ماهی صورتی را در تنگ می بینیم و صدای ماشین و چرخ خیاطی و تانک با هم ادغام می شوند.

لاستیک ماشین دیده می شود که با افتادن در چاله ای می ترکد. تصویر همان مرد را می بینیم که در میدان جنگ خمپاره ای در کنارش منفجر می شود. آن مرد با سر و روی خونین به زمین می افتد. تانک از روی پاهای او عبور می کند. انگشت زن خیاط به زیر سوزن چرخ خیاطی می رود و به شدت آسیب می بیند. زمین پژو با دو سرنشین منفجر می شود. چشمان راننده (سید) مضطرب است. آن مرد که روی تخت دراز کشیده است، دچار شوک می شود و تشنج می کند.

سکانس ۱ : خارجی / روز / منزل مصطفی احمدی روشن
(۱ الف)

فردی با ماشین پژوی خاکستری رنگ به مقابل منزل احمدی روشن می رسد و نگه می دارد. یک درختان مدار بسته کوچک مشرف به منزل در میان برگهای درختان قرار دارد و تصاویر منزل و کوچه را ضبط می کند. دکتر مصطفی احمدی روشن که کودک خردسالی را در آغوش دارد، به کنار زدن پرده پنجره منزل نگاهی به بیرون و ماشین پژو می اندازد و با انداختن پرده به کنار می رود.

سکانس ۲ : خارجی / روز / باغ رستوران کوهستان
(۲ الف)

شخص پنجاه ساله ای به نام منصوری ماشینش را کنار رودخانه پارک کرده و پیپ می کشد. افراد او با چند ماشین